

نشریه‌ی رسمی دختران انجمن اسلامی دانشجویان  
(عضو دفتر تحکیم وحدت تاسیس ۱۳۴۲)

# امیرکبیر سلام!

شماره‌ی بیست و هشتم گاهنامه‌ی صدای ۱۱ \_ مهر ماه ۱۴۰۰

در این شماره می‌خوانید:

پشت پرده امیرکبیر

پر مدار تعادل...

دنیای امیرکبیر

صدای تو!

2:00

56%



صدای دختران امیرکبیر



ورودی‌های ۱۴۰۰ سلام 🥰

1:55 AM ✓

شما به خانواده‌ی بزرگ  
امیرکبیری‌ها پیوستید؛  
تبریک میگم! 🎉

1:56 AM ✓

ورودی ۱۴۰۰ امیرکبیر

خیلی ممنونم 😊

1:56 AM



پیام



# فهرست

- ۳..... سخن آغازین
- ۴..... راهی که بود، راهی که هست
- ۵..... مجازی VS حضوری
- ۶..... قوای پیشتاز
- ۷..... دنیای امیرکبیر
- ۹..... شب امتحانی
- ۱۰..... صدای تو
- ۱۱..... توفیق اجباری دوست داشتنی
- ۱۲..... برمدار تعادل
- ۱۳..... پشت پرده امیرکبیر
- ۱۵..... یک روز عادی در دانشگاه
- ۱۷..... آنچه گذشت، تقدیم شما



شماره بیست و هشتم - مهرماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان  
(عضو دفتر تحکیم وحدت - تاسیس ۱۳۴۲)

مدیرمسئول: مریم مهربان

سر دبیر: فرناز اینانلو

## هیئت تحریریه:

فاطمه سادات هوشمند میرحسینی | سیده مریم عطری | زینب مهدوی | میترا هدایتی | فاطمه سادات مرتضوی | سیده ریحانه شرافتی | زینب مبصر | فاطمه سادات فقهی | سمیه سیاحت نصرتی | مائده علی محمدی | ریحانه ابراهیمی | زینب عزیزی

طراح جلد: سیده مریم عطری

صفحه آرا: فاطمه سادات هوشمند میرحسینی

# سخن آغازین

فاطمه سادات هوشمند میرحسینی / کارشناسی مهندسی هوافضا

اینک شما در نقطه‌ای ایستاده‌ای، به نام امیرکبیر...

امیرکبیر، نه پایان پرواز است و نه حتی لزوماً، شروع اوج‌گیری... امیرکبیر، اگر خوشبینانه نگاه کنیم، فقط یک باند پرواز است؛ اجالتا ورود و جودت را به باند امیرکبیر تبریک می‌گوییم...

اگر دقیق‌تر نگاه کنیم؛ اینجا به باند هم نرسیده و صرفاً تونل باد است؛

در بعضی رشته‌ها و بیش‌تر هوافضا، با تونل باد زیاد سر و کار داریم؛ جایی ست که در آن، شرایط پرواز را شبیه‌سازی می‌کنند و مدل را قرار می‌دهند؛ تا مشخصات پروازی جسم پرنده را اندازه‌گیری کنند. در تونل باد امیرکبیر تو می‌توانی با آزمون و خطا، پرنده ماهری بسازی؛ کسی که برای رویایی با هر شرایطی در پرواز آماده باشد، یا می‌توانی صرفاً در همین نقطه‌ای که هستی چند صباحی دور بزنی و تمام.

دنیای امیرکبیر، در عین کوچکی‌اش، خیلی بزرگ است و در عین اینکه مادر دانشگاه‌های صنعتی ایران هست؛ خیلی کوچک! (البته ذهن مادی‌ام را به بزرگواری خودتان ببخشید؛)

وجود ما با ابعاد گسترده‌اش به امیرکبیر آمده؛ با تمامی استعدادها و ضعف‌ها و تمامی روابطی که با دنیا و آدم‌هایش دارد.

در تونل باد، باید حتی الامکان شرایط پرواز واقعی را فراهم کرد؛ جهان واقعی ما به روابط ریاضی و فیزیک محدود نیست؛ جامعه با کلی فراز و نشیب مقابل ما نشسته و کلی نقش برایمان آماده کرده است.

ما در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، به هم کمک می‌کنیم تا اول خودمان را کشف کنیم، اطرافمان را بهتر بشناسیم و قدم‌هایی کوچک، و گاه بزرگ برای داشتن جامعه‌ای بهتر برداریم. ما اینجا دغدغه داریم؛ از دغدغه برای فرهنگ و عقیده گرفته تا سیاست، از مسائل صنفی دانشگاه گرفته تا مسائل زنان و دختران؛ ما با هم مطالعه می‌کنیم، گفتگو می‌کنیم، می‌نویسیم، مطالبه می‌کنیم و در یک کلام در کنار هم زندگی می‌کنیم؛ به معنای واقعی‌اش.

اینجا، نشریه صد۱۱۱، اولین و تنها نشریه تخصصی حوزه زنان دانشگاه، صدای دختران امیرکبیر است و اینک جمعی از دختران انجمن اسلامی، با شما ورودی‌های ۱۴۰۰ صحبت‌هایی دارند؛ امید است که در مسیر تونل باد جذاب امیرکبیر، به کارتان بیاید.

# راهی که بود، راهی که هست...

زینب مهدوی / کارشناسی مهندسی نساجی

می‌خواهم برایتان از قلب تپنده دانشگاه بگویم؛ جایی که بعد از آشنایی با آن و اعضایش، زمان‌هایی خواهید داشت که به خاطر حضور در این مکان به دانشگاه می‌آیید؛ حتی روزهایی که کلاس نداشته باشید.

دفتر خواهران انجمن اسلامی، ملجایی برای دخترهایش است. آغوشی که گاه خستگی، استراحت جان و گاه آشفتگی، آرام‌بخش روح است. پناهگاهی که تن رنجور از دوندگی بین ساختمان‌های دانشگاه و ذهن درگیر از انبوه درس‌هایت را التیام می‌بخشد. دل مشغولی‌هایت را به گوش جان می‌شنود و گره‌های ذهنی‌ات را آرام آرام حل می‌کند. هم کتابخانه است و هم اندیشکده، هم ایستگاه حرکت است و هم استراحتگاه روح.

اما همین کنار گرم نیز، قطعاً بدون اعضایش، دیوارهایی است سرد و بی‌روح، مانند صدها و هزاران اتاق دیگر؛ لیکن آدمی است که به عناصر روح می‌بخشد.

هنگامی که در دفتر را باز کنی روح مثبت حاکم بر فضا را به عینه دریافت می‌کنی. حتی اگر فرد حقیقی در قالب زمان درون دفتر نباشد، در و دیوار برایت از یک پیشینه عمیق و اصیل و اسلامی روایت می‌کنند. روایت کسانی که در آن نفس کشیدند، رشد کردند و بزرگ شدند و حالا هر کدام داستان زندگی‌شان به نحوی جلو رفته، اما حتماً نقطه عطف مشترک مسیری همه‌شان نفس کشیدن در چنین فضای خالصانه ایست؛ که اغلب به تکمیل و ترمیم و یا تعویض ریل مسیرشان اثر بسیاری داشته است. اما این سکوت، وقتی که دخترها داخل دفتر باشند نسبتاً کمیاب می‌شود؛ چرا که بچه‌ها با شور و شوق و شادابی جوانی خود، هیجان را در اتمسفر دفتر پمپاژ می‌کنند. بعضی وقت‌ها بحثی پر انرژی در خصوص موضوعی دارند. مواقعی صدای شوخی و خنده‌شان می‌آید. گاه در حال درست کردن رزق برای حال خوب دانشجویها هستند یا در تکاپوی قبل از برنامه‌ای درجه یک، آخرین کارها را هماهنگ می‌کنند. جو دفتر بعد از برگزاری همان برنامه دیدنی است. زمانی که بچه‌ها، نتیجه زحمات چند روز و چند ماه‌شان را دیدند و حالا در کنار هم اتفاقات هیجان‌انگیز برنامه را مرور می‌کنند. غالب اوقات نیز خوشحالی خود را

با مراجعه به آکوارיום و سفارش چند اسنک تکمیل می‌کنند.

در دفتر خواهران انجمن، بعد از یک مدت همه تبدیل به خانواده یکدیگر می‌شوند؛ قلبشان برای همدیگر می‌تپد. دل تنگ یکدیگر می‌شوند. بچه‌ها موقع اندوه، سنگ صبور هم هستند. برای موفقیت تک تک افراد، همه از صمیم قلب خوشحال می‌شوند، و برای موفقیت مضاعفش بقیه نیز تلاش می‌کنند. اینجا کسی تنها نیست، همه جزئی از یک کل واحد اند. اینجا همه اصحاب ما می‌توانیم هستند. ناامیدی و جا زدن در اینجا معنا ندارد؛ چون مطمئناً یکی همیشه هست که به تو بگوید: «با هم درستش می‌کنیم» و بعد یک چای برایت بریزد و با هم کلی صحبت کنید. گفتم چای؛ تا یادم نرفته اضافه کنم که اینجا همه چای‌گیر انجمن هستند. مگر می‌شود شما یک بار چایی دفتر را بنوشید و بار دیگری نیابید؟ چایی و چای ساز پای ثابت همه محافل دفتر هستند که حالا دیگر از اعضا جداناپذیر گنده‌هایمان محسوب می‌شوند.

انجمن، تنها جایی در دنیا است که از قوانین فیزیک تبعیت نمی‌کند. کدام مجموعه موازی، یا کدام تشکیلاتی را می‌توانید پیدا کنید که در مدت زمان کوتاه دانشجویی چنین ژرف، تو را در معنا عمق ببخشد. به تو دیدی، چنین تحلیل محور بدهد. فرصت عملی کردن ایده‌هایت را بدهد. حرفت را بشنود. تو را جدی بگیرد. جایگاهی به تو بدهد که پای افراد مختلف رده بالا را به میان بکشی، از آنها سوال بپرسی، نقد کنی، صحبتت شنیده شود و ملزم به پاسخ‌گویی‌شان کند. انجمن، بال پروازی به تو می‌دهد که اگر مغتنم بشماری‌اش می‌توانی اتفاقات بزرگی را رقم بزنی. آرمان‌هایت را سر دست بگیری و برای پیشرفت آقای جمهوری اسلامی به میدان بی‌آیی.

درست است فرصت حضور در اینجا به دلیل شرایط محدود دانشجویی مقطعی به نظر می‌رسد اما اثر آن روی زندگی خود، دوستان دیگر و بچه‌هایی که سال‌های بعد به اینجا خواهند آمد طولانی مدت است.

پس تا شقایق هست، فرصت را دریاب...





دانشگاه؛ ایستگاهی که شاید در ابتدا در نظرمان مدرسه‌ای با ابعاد بزرگ‌تر به نظر می‌رسید، اکثر ما با همین دیدگاه وارد آن شدیم و در طول ترم و دوران تحصیل به تدریج برداشتمان از آن کامل‌تر شد. از جایی به بعد در دوران دانشجویی به طور جدی به آینده‌مان فکر کردیم، به ورود موثر در جامعه و هدفی که باید در آینده دنبال کنیم. حالا تقریباً دو سالی است که با شیوع کرونا، کلاس‌های دانشگاه به صورت مجازی تشکیل می‌شود. دانشگاه مجازی در مقایسه با حضور در دانشگاه مزیت‌ها و البته محدودیت‌های مختلفی دارد، که در ادامه به بررسی چند مورد از آن‌ها می‌پردازیم.

## «کلاس‌های حضوری vs کلاس‌های مجازی»

کلاس‌های ۷:۴۵ صبح، کلاس‌های شلوغ پشت سر هم، غذای سلف دانشگاه، دوری از خانواده و زندگی در خوابگاه و... همه و همه تجاربی از دانشگاه حضوری بودند؛ که هر چند در لحظه ممکن بود از آن‌ها خسته شویم، اما حالا بعد از دو سال دوری از فضای حضور در دانشگاه شاید حتی دل‌تنگشان هم شده‌ایم. کلاس‌های مجازی هر چند این فرصت را به ما داد تا راحت و بدون دغدغهی حضور در فضای کلاس‌ها و خستگی مسیر از آموزش بهره ببریم، اما برای عده‌ای نتوانست جایگزین آموزش حضوری و تعامل مستقیم با استاد و کلاس درس باشد. این مساله باعث شد برخی در ابتدا در یادگیری مباحث افت کنند، اما کم‌کم به آموزش مجازی و محدودیت‌های آن عادت کردند و از فرصت و فراغ بالی که دانشگاه مجازی برایشان داشت، در جهت رشد و پیشرفت خود استفاده کردند. هر چند عده‌ای همچنان با وجود گذشت چندین ترم

نتوانسته‌اند با محدودیت‌های آموزش مجازی کنار آیند.

## «دوستی‌های پایدار دوران دانشجویی»

در کنار فضای آموزش، قطعاً گروه‌های دوستی و فعالیت‌های مختلف در سطح دانشگاه، دیگر مساله‌ای بود که با مجازی شدن دانشگاه شکل دیگری پیدا کرد. اگر پای صحبت با سال‌بالی‌ها و افرادی که در دورانی دانشجوی بودند بنشینیم، حتماً از خاطرات و دوستی‌های به جا مانده از دوران تحصیل در دانشگاه، حرفی به میان می‌آید؛ دوستی‌هایی که گاهی به راحتی شروع شده‌اند؛ اما به همین آسانی‌ها حتی با اتمام دوران دانشجویی تمام نمی‌شوند. با شیوع کرونا و مجازی شدن دانشگاه شکل گیری این روابط دوستانه و پایدار کمی سخت و کم‌رنگ شد. هر چند انبوه گروه‌ها و صفحه‌های دانشگاه سعی داشتند مانند فضای حضوری، افراد را کنار هم جمع کنند، اما محدودیت‌های این شکل ارتباط گیری همچنان پابرجا بود. با این وجود از طریق فضای دانشکده‌ها، تشکلهای دانشجویی و مجموعه‌های فعال در دانشگاه گروه‌های دوستی مختلفی شکل گرفتند؛ که به نوعی خلاء عدم حضور در دانشگاه را پر کردند.

## «بازگشت به دانشگاه حضوری»

حالا با واکسیناسیون دانشجویان، بعد از چندین ترم تجربه آموزش مجازی، شرایط برای آموزش نیمه‌حضوری کمی فراهم شده است. صحبت‌های مسئولین خبر از آن می‌دهد که با ظرفیت کم در اواخر این ترم و ظرفیت بالاتری در ترم آینده، شرایط برای حضور در دانشگاه فراهم می‌شود و تجربه متفاوت آموزش مجازی با تمام نقاط مثبت و منفی رو به پایان است، تا دوباره با آمادگی لازم به فضای کلاس‌های حضوری برگردیم.

# 313

## قوای پیشتاز

سمیه سیاحت نصرتی / کارشناسی مهندسی هوافضا

من یک دانشجو هستم؛ دانشجو به چه معناست؟ دانش، جو؟! کسی که به دنبال کسب دانش است؟! آیا تنها علم آموزی و بسنده کردن به دروسی که در دانشگاه تدریس می‌شود، کافیهست؟ آیا همین که من درس بخوانم و با معدل بالا از دانشگاه فارغ‌التحصیل شوم، کافیهست؟ آیا شناخته شدن من به عنوان یک نخبه‌ی علمی برای جامعه و انقلاب بس است؟ علم با جهل جمع می‌شود ولی عقل هیچگاه با جهل آمیخته نمی‌شود. قبل از اینکه شروع به کسب علم کنیم بهتر است از خود بپرسیم که من چرا درس می‌خوانم؟ من باید هدف از تحصیلم را خوب بشناسم و با کسب آگاهی و معرفت به سوی آن حرکت کنم. علم بدون عقل هیچ دردی را دوا نمی‌کند (بی‌مصرف) است. علمی که به وسیله‌ی تعقل به دست نیاید و انسان را از جهالت نرھاند، علم نیست. چه بسا پزشکی که با آگاهی از آسیبی که سیگار به ریه‌هایش می‌زند، همچنان سیگار می‌کشد؛ چرا؟ مگر علم ندارد؟ علم دارد ولی، تعقل ندارد، علم با بصیرت ندارد.

یک دانشجو ابتدا باید هدف از تحصیل خود را مشخص کند؛ با خود فکر کند و برای خود روشن سازد که حال در چه زمان، مکان و دورانی ایستاده و چه وظیفه‌ای دارد؟ حال عصر غیبت است. من، امامی غائب دارم که وَالْوَالِئَاتُ الْمَوْتُور است، طرد شده است... امام من در انتظار من است... دانشجو باید بفهمد امامی دارد که بدون وجود او جهان ویران می‌شود. یک دانشجو باید زمان‌شناس و امام‌شناس باشد. باید به این نتیجه برسد که بدون وجود امام، زندگی و تلاش او، ارزش خود را از دست می‌دهد و به چیزی پوچ و بیهوده تبدیل می‌شود.

حال در دورانی که دشمنان کمر بسته‌اند تا به هر نحوی شده اسلام و انقلاب را به زانو درآورند و ظهور را به قهقرا بکشانند، زمانی که تهاجم فرهنگی بیداد می‌کند و جامعه را به هر شیوه دچار تزلزل کرده است، وظیفه‌ی من دانشجو چیست؟ شهید چمران می‌گویند: ای خدا! من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبدا که دشمنان مرا از این راه طعنه زنند. باید به آن سنگ دلانی که علم را بهانه کرده و به دیگران فخر می‌فروشند ثابت کنم که خاک پای من هم نخواهند شد. باید همه آن تیره دلان مغرور و متکبر را به زانو درآورم

آنگاه خود خاضع‌ترین و افتاده‌ترین فرد روی زمین باشم. علم آموزی یک دانشجو زمانی معنا پیدا می‌کند که هدف عظیم و ارزشمندی پشت آن باشد. یک دانشجو باید تقوا داشته باشد، آگاهی و شناخت داشته باشد. بداند که برای چه علم‌آموزی می‌کند. یک دانشجو باید جزئی‌نگر باشد، باید موشکافانه مسائل جامعه را ببیند، لمس کند و به آن بپردازد. دانشجو باید مطالبه‌گر باشد، مطالبه‌گری آگاه و پویا. شهید بهشتی می‌گویند: «رسالت دانشجو امروز در این است که همچنان به صورت عنصر اصلی انقلابی جامعه بماند. و دانشجو رسالتش در این است که در برابر دردهای جامعه برای همیشه حساس بماند، نه اینکه تا فارغ‌التحصیل شد و یک شغلی پیدا کرد، هر قدر شغلش بهتر می‌شود، حساسیتش کمتر شود؛ دردی که ده‌ها سال به آن مبتلا بودیم. وای به حال جامعه‌ای که گروه ممتازش تبدیل شود به گروه بی‌دردش... دانشجو مؤذن جامعه است، اگر خواب بماند، نماز امت قضا می‌شود.»

دانشجوی نخبه‌ای که چیزی از اجتماع و مشکلات مردم نمی‌فهمد و دغدغه‌ای ندارد، با یک ربات که دستورات کارفرمایش را اجرا می‌کند چه فرقی دارد؟ تشکیلات جایگاه یک دانشجوی واقعی است. یک دانشجوی نخبه‌ای که دغدغه مند است، دغدغه مند زندگی، جامعه. دانشجویی که تنها زندگی خود برایش مهم نیست... توجه به دیگران و آگاهی دادن به آنان نیز دغدغه‌ای بسیار مهم و یکی از بزرگ‌ترین اهداف زندگی است؛ خداوند می‌گوید: ای مؤمنان خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ هاست، حفظ کنید...

خدا حتی در سوره هود به پیامبر (ص) می‌فرماید: پس همان گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده‌اند [ایستادگی کنند] و سرکشی مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. پس، ما تنها با گفتن شهادتین نمی‌توانیم ادعای ایمان کنیم. زمانی می‌توانیم ادعای ایمان داشته باشیم که در عمل نشان دهیم که در برابر تک‌تک اموراتی که به اسلام و امامان مرتبط است، دغدغه مند هستیم. این ویژگی یک سرباز امام زمان است، ویژگی دانشجویی است که می‌داند برای چه آفریده شده؛ برای یک سرباز وفادار بودن...



# دنیای امیرکبیر

ریحانه ابراهیمی / کارشناسی مهندسی هوافضا

**ساختمان ابوریحان:**  
بزرگترین ساختمان دانشگاه که مخصوص بچه‌های برق و مکانیک با پنج طبقه است و البته شایان ذکر است که آسانسورهای آن نسبت به وسعت دانشکده و رفت‌وآمدهای آن کم است. و البته وی دارای یعقوب برقی می باشد.

**دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر:**  
نام ساختمان، خوارزمی است و از آنجا که اساتید معتقد هستند که نباید به دانشجو رو داد، آسانسور مخصوص اساتید است.

**3 گلزار شهدا:**  
سر کوچه هوافضا نزدیک به مسجد، شاهد یک سازه هستین که شبیه بال پرنده است؛ درست حدس زدین آنجا گلزار شهداست.  
**مسجد:**  
بعد از مزار شهدا و تقریبا در مرکز دانشگاه است که گذر تان قطعا به آن خواهد افتاد.

**دانشکده عمران:**  
یکی از اولین دانشکده‌ها بعد از ورود از درب حافظ که سمت راست شما می باشد.

**دانشکده هوافضا:**  
یکی از مدرن ترین دانشکده‌های دانشگاه که سالن مطالعه خوبی دارد. روبروی دانشکده یک هواپیما قرار دارد که محل خوبی برای گرفتن سلفی و عکس است. و البته این دانشکده تعداد کلاس بسیار اندکی دارد که دانشجویها بین این کلاسها جابجا می شوند.

**کتابخانه شهید صبوری:**  
از درب حافظ که وارد شدید سمت راست ساختمانی قرار دارد؛ با عنوان کتابخانه شهید صبوری که دارای کتاب‌های درسی مورد نیاز شما و همچنین دو سالن مطالعه است که در اکثر مواقع بسیار شلوغ می باشد.

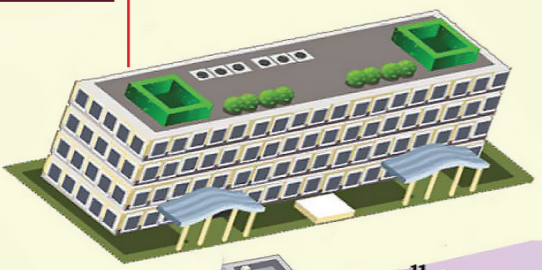
**4 کافه آکوارיום:**  
یک کافه شیشه‌ای تازه تاسیس بعد از دانشکده عمران است که در اصلی آن روبروی در کوچه‌ای است که دانشکده هوافضا در آنجاست.

**خیام:**  
ساختمانی برای برگزاری کلاسهای عمومی و سرویس و برخی امتحانات که دروس آن با کد دو صفر شروع می شود.



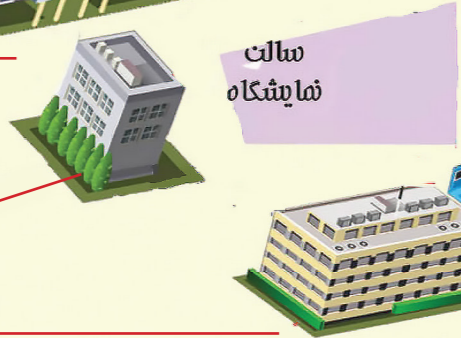
**دانشکده مهندسی معدن:**  
دانشکده سنگ معدنی هم دارد، ولی خب دانشجویهاش کلاه زرد چراغدار ندارند.

**درب ولیعصر:**  
نزدیک ایستگاه مترو تئاتر شهر که تقریبا مرکزی ترین درب دانشگاه است.



**درب حافظ:**  
درب است که همه ما امیرکبیر را با آن می شناسیم؛ به خاطر سازه فوق زیبای آن و نام حافظ به خاطر قرار داشتن این در، در خیابان حافظ است.

**دانشکده نفت:**  
بین دانشکده‌های نساجی و م پزشکی است. نزدیک ترین دانشکده به سلف است و این باعث می شود بوی غذا همواره میهمان دانشجویهای آن باشد.



**دانشکده مواد و متالورژی:**  
اول از همه باید دقت کنید که بگید متالورژی نه، متالورژی. این دانشکده نیز دارای یک عدد یعقوب برقی می باشد و دانشجویها و اساتید از آسانسور با هم استفاده می کنند، از این جهت می توانید مردم سالاری دینی را تا حدودی ببینید.

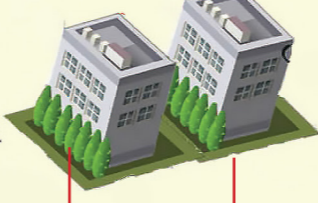
**درب سعید:**  
برای سریع تر رسیدن به دانشکده‌های م پزشکی و نفت می توانید از این درب وارد شوید.

**دانشکده مهندسی شیمی:**  
دارای ۴ طبقه که در طبقه همکف کلاسها برگزار می شود، در طبقه دوم گذر تان به آموزش دانشکده می افتد و در طبقه سوم حتما به سایت سر خواهید زد البته اگر بتوانید جایی گیر بیاورید و طبقه چهارم نیز محل استقرار اساتید محترم است.



**دانشکده مهندسی پزشکی:**  
اولین دانشکده بعد از ورود از درب سعید همین دانشکده است.

**5 دانشکده مهندسی کامپیوتر:**  
روبروی دانشکده ریاضی است؛ درست است لابی ندارد ولی سایت آن، جایش را پر کرده.



**دانشکده نساجی:**  
دارای لابی بزرگ و زیبا و همچنین آسانسورهای خوبی است ولی مراقب آسانسور فرد سمت چپ باشید، خطر سقوط دارد.

**دانشکده فیزیک و انرژی:**  
در خارج از فضای دانشگاه و در کوچه سعید قرار دارد روبروی درب سعید که یکی از درب های دانشگاه است. و البته شایان ذکر است که این دانشکده دارای یعقوب برقی است.

**دانشکده صنایع:**  
دقیقا همسایه دانشکده فیزیک و انرژی است که بر اساس اخبار به دست آمده درب ورودی آن تعمیر گشته و دیگر در زمستان از سرما نخواهید لرزید.

**2 کوچه تشکلها:**  
جنب دانشکده م شیمی کوچه‌ای است به نام کوچه تشکلها؛ تشکل‌های دانشجویی مختلف داخل این کوچه دفتر دارند، اولین ساختمان سمت راست هم دفتر خواهران انجمن اسلامی ست؛ جهت کسب اطلاعات بیشتر از آن به اوایل نشریه مراجعه فرمایید (:

**1 دانشکده پلیمر:**  
روبروی دانشکده عمران قرار دارد که سر در آن با کاشی نوشته شده، دانشکده پلیمر و رنگ. لازم به ذکره که از جمله جاذبه‌های توریستی این دانشکده، همزیستی مسالمت آمیز با سوسک هاست. ناخودآگاه چند واحدی سوسک شناسی پاس می کنین اونجا.

**دانشکده دریا:**  
اگر محیط شلوغ فضاهای سبز دانشگاه رو دوست ندارین؛ میتونین آرامش رو در پارک دریا تجربه کنین. اصولا هر دانشکده اصطلاحات خود را دارد و با توجه به رشته زندگی میکنن مثلا بالکن جلوی ساختمان دریا به عرشه معروف است.



# صدای تو!

سیده مریم عطری /  
کارشناسی مهندسی عمران

آیا شده‌است تا به حال به این فکر کنی که صرفاً به خاطر اینکه دختر هستی از یکسری حقوق خودت محروم شدی یا برایت سوال به وجود بیاید؟ به این فکر کنی که در اجتماع چقدر احساس امنیت می‌کنی؟ و آیا کسی به فکر رفع مشکلات آزار و اذیت‌های خبیانی هست؟ به این فکر کنی که چرا بعضی خانم‌ها برای اشتغال باید خوشان را شبیه مردان بکنند؟ حق اشتغال متناسب با ویژگی‌های زنانه چرا مورد توجه مسئولین نیست؟ به حق کنشگری در مسائل جامعه فکر کنی؟ به این فکر کنی که چرا با وجود اینکه توانایی انجام کاری را داری ولی اعتماد به نفسش را نداری و حمایت نمی‌شوی؟

معمولاً همه ما این فکرها را درون ذهن‌مان مرور کردیم حتی هر چه جلوتر می‌رویم به مسائل بیشتری نیز برمی‌خوریم و سوال‌های تازه تری برایمان به وجود می‌آید به طور مثال در خصوص خلأهای قانونی که باعث ظلم به زنان میشود یا حق حضانت، طلاق و... یا سوال‌هایی در خصوص گروه‌هایی مثل فمینیست‌ها، سمن‌ها و... استادای داشتیم که در جلسه اول از ما خواست خودمان را تعریف کنیم! ما چیستیم؟ به دنبال چه هستیم و هویت ما چیست؟

بماند بحث مفصلیست اما در همین حد که ما انسان‌هایی هستیم مسلمان و دانش‌جو پس باید هدفی داشته باشیم و در راه رسیدن به آن معرفت و علم خود را افزایش دهیم و در هدایت استعدادهایی که داریم قدم برداریم.

به دور از حاشیه‌ها به دنبال راه‌حل و حقیقت باشیم تا بتوانیم در پیشرفت جامعه قدمی برداریم و رشد کنیم. یادمان باشد تا زمانی که خودمان نخواهیم و قدمی



در راستای تغییر وضع موجود برداریم چیزی عوض نمی‌شود. اگر می‌خواهیم دختران و زنان ما به رشد و تعالی لایق خود برسند باید مردان و زنان باهم در این راه قدم بردارند و برای رسیدن به این مرحله، لازم است قبل از آن آگاه‌سازی‌های لازم را انجام دهیم. حال شما دانشجویی در دانشگاه امیرکبیر هستی نسبت به چندسال گذشته مسئولیتی که بر دوش داری سنگین تر شده است اکنون زمان آن است که در جامعه تاثیرگذار باشی... بخوانی، بحث کنی، مطالبه کنی... و بدانی که تو تنها نیستی! ما در کارگروه زنان انجمن اسلامی دانشجویان، با همین دغدغه‌ها دور هم جمع شدیم و سعی داریم باهم این مسیر را جلو برویم. در برنامه‌ها و شیوه‌های مختلف مطالبه‌گری مثل نامه، بیانیه، نشریه و صحبت با متخصصین سعی می‌کنیم به دور از سیاسی‌کاری به حل مشکلات دختران و زنان جامعه‌مان پردازیم. نشریه‌ای که الان هم می‌خوانید اولین و تخصصی‌ترین نشریه دخترانه دانشگاه امیرکبیر هست می‌توانی با مراجعه به کانال‌مان شماره‌های قبلی را هم مطالعه کنی که مباحث تخصصی‌تر را آنجا بررسی کردیم و اگر تو هم این جنس دغدغه‌ها را داری به جمع ما بپیوندی.

برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌های کارگروه زنان انجمن اسلامی برخی از فعالیت‌های این کارگروه آورده شده.

۱- ویژه‌نامه‌های نشریه صدا با موضوعات روز حوزه زنان  
۲- سلسله جلسات حلقه مطالعاتی

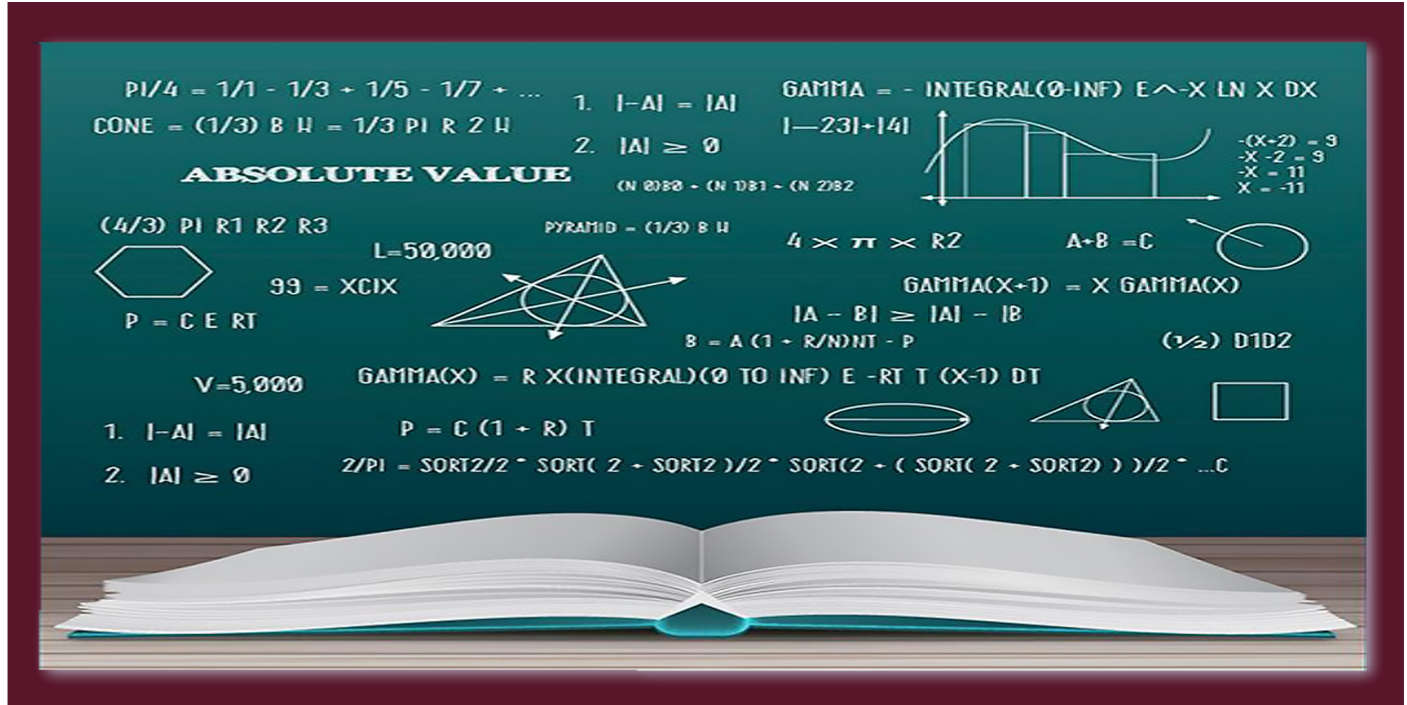


و حلقه بحث و گفتگو  
۳- نامه به مسئولین ذی ربط برای مثال سال گذشته با همت کارگروه زنان و ارتباط گیری با نمایندگان عضو فراکسیون زنان مجلس اسلامی طرحی برای بیمه زنان نابارور ارائه شد و در ماه گذشته خبر پوشش بیمه خدمات ناباروری تایید شد.

و در آخر صحبت‌های زیر از مقام معظم رهبری باعث می‌شود در این راه ثابت قدم‌تر و با اطمینان بیشتری قدم برداریم:  
«چه خانم‌هایی که در بخش‌های مختلف مسئولند و مسئولیت‌هایی دارند و چه خانم‌هایی که در خانه‌ها هستند، اما دلشان به نور و روحیه‌ی انقلاب زنده است و محیط خانه‌ها را محیط اسلامی نگه می‌دارند، خواهش می‌کنم که درباره‌ی نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه‌ی خودشان باز هم فکر کنند.

درباره‌ی شکل‌های سیاسی، کارهای علمی، خدمات ارزشمند، بالا بردن سطح معرفت و معلومات و ایستادگی در مقابل دشمنان در همه‌ی مراکز و میدان‌هایی که ایستادگی در آن‌ها موثر است.»

۱- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ  
سوره مبارکه الرعد آیه ۱۱



# شب امتحانی؟!!

زینب عزیزی / کارشناسی مهندسی پزشکی

پس اگر همان اول ترم با استاد و تدریس‌یار همراه نباشید، به مشکل برمی‌خورید. از کلاس‌های تدریس‌یاری غافل نشوید و سعی کنید حتماً همه را شرکت کنید که آموزش و یادگیری‌تون کامل بشود. تمرین‌ها و امتحانات دانشکده ریاضی مشترک، یعنی راه و روش مشترک اما تفاوت در بیان اساتید است. پس می‌توانید از دوستانتون که با اساتید دیگری این درس را دارند توی گرفتن جزوه کمک بخواهید. در این درس چه میان‌ترم چه پایان ترم، اگر نمره خوب می‌خواهید، نمونه سوال‌های تدریس‌یاری، و سال‌های گذشته را حتماً حل کنید که به شدت کمک‌تان می‌کند. راستی اگر اهل خواندن رفرنس‌ها هم هستید، آدامز کتاب خیلی خوبه. درس بعدی **#فیزیک-یک**، این درس از روی هالیدی تدریس می‌شود و فیزیک معمولاً مشترک نیست، پس باید با استاد خودتون همراه بشید، و بدونید همانطوری که درس می‌دهند همانطوری هم انتظار دارند، تدریس‌یارها با

پس اگر همان اول ترم با استاد و تدریس‌یار همراه نباشید، به مشکل برمی‌خورید. از کلاس‌های تدریس‌یاری غافل نشوید و سعی کنید حتماً همه را شرکت کنید که آموزش و یادگیری‌تون کامل بشود. تمرین‌ها و امتحانات دانشکده ریاضی مشترک، یعنی راه و روش مشترک اما تفاوت در بیان اساتید است. پس می‌توانید از دوستانتون که با اساتید دیگری این درس را دارند توی گرفتن جزوه کمک بخواهید. در این درس چه میان‌ترم چه پایان ترم، اگر نمره خوب می‌خواهید، نمونه سوال‌های تدریس‌یاری، و سال‌های گذشته را حتماً حل کنید که به شدت کمک‌تان می‌کند. راستی اگر اهل خواندن رفرنس‌ها هم هستید، آدامز کتاب خیلی خوبه. درس بعدی **#فیزیک-یک**، این درس از روی هالیدی تدریس می‌شود و فیزیک معمولاً مشترک نیست، پس باید با استاد خودتون همراه بشید، و بدونید همانطوری که درس می‌دهند همانطوری هم انتظار دارند، تدریس‌یارها با

چطور بخوانیم تا آخر ترم، شب امتحانی نشویم!!  
سلام، ورودتان را به دانشگاه صنعتی امیرکبیر تبریک می‌گویم و خوشحالم که خیلی‌ها تون به آن چیزی که آرزوشو داشتید و برایش تلاش می‌کردید، رسیدید. یکی از لذت‌بخش‌ترین قسمت‌های زندگی، لحظه به ثمر رسیدن تلاش‌هاست؛ پس خیلی مبارکتون باشه.

در این نوشته قرار است با همدیگر یک سری نکات را بررسی کنیم؛ که باعث می‌شود شماهایی که بهترین‌های دبیرستان بودید، اینجا هم یکی از بهترین‌های دانشگاه باشید.

یک سری دروس، به اسم دروس سرویس ارائه می‌شود که شامل ریاضی یک و دو، فیزیک یک و دو، برنامه نویسی، معادلات دیفرانسیل و... است. در ترم اول که تازه اول راه محسوب می‌شود، با درس **#ریاضی-یک** رو به رو می‌شید.

این درس یکی از درس‌هایی است که به شما نشان می‌دهد که همان مطالب دبیرستان چه قدر می‌توانند عجیب غریب بشوند،



## بر مدار تعادل

سیده ریحانه شرافتی /  
کارشناسی مهندسی انرژی

بهترین کارها، میانه آن است... ۱  
ضمن عرض خسته نباشید بابت بدترین کنکور تاریخ که پشت سر گذاشتید؛ می خواستم چند نکته ریز بگویم که این ترم‌های اول از مدار تعادل خارج نشده و مغلوب جو نشوید. مهم‌ترین نکته‌ای که همین ابتدا باید گفته شود؛ اینکه دانشگاه نه آن آرمان شهری است که در فیلم‌ها دیدید که طرف، صبح تا شب در کافه است و یا درگیر مسائل مختلف، و آخر ترم هم با یک شب درس خواندن همه امتحان‌ها را با قبولی بگذراند. نه ادامه‌ی دوران مدرسه که مجبور باشد صبح تا شب درس بخواند. فرمول پیچیده‌ای ندارد؛ هر روز یک الی دو ساعت برای درس بگذار، بقیه وقت را هر طور که دوست داری زندگی کن.

برای درس خواندن هم جوگیر نشوید. استاد شاید توصیه به مطالعه فلان کتاب کند ولی شما در نظر داشته باشید که برای امتحان همان جزوه استاد و تمارین حل تمرین در اولویت است و اگر فرصتی باقی ماند می‌توانید سراغ کتاب‌ها و منابعی که استاد معرفی می‌کند، بروید. پیشنهاد هم می‌کنم طوطی‌وار درس نخوانید؛ چون در دانشگاه مثل مدرسه جواب نمی‌دهد. سر کلاس هم اگر نکته‌ای را متوجه نشدید؛ حتما بپرسید چون اولاً شاید بعدتر فرد دیگری را برای پاسخ‌گویی پیدا نکنید و دوم، سکوت بقیه نشانه فهمیدن نیست؛ احتمالاً آن‌ها هم متوجه نشدند.

شما الان جایی هستی که نزدیک به چهار هزار دانشجوی دارد. قطعاً چهار نفر پیدا می‌شوند با شخصیت شما تطابق داشته باشند که دوست و همراه هم بشوید. پس نگران تنها ماندن نباش و برای اینکه در بعضی جمع‌ها باشی، دست به هر کاری نزن! حال و جو بقیه را ول کن و به حال خودت باش؛ خودت باش! آدم‌ها برای کسی که خودش برای خودش



هم احترام بزاریم و با هم تعامل کنیم. از حساسیت‌ها و اخلاقیات هم خبر داشتیم و نگران هم می‌شدیم؛ انگار که چند ساله داریم با هم زندگی می‌کنیم. یاد گرفتیم انعطاف پذیر باشیم و از خود گذشتگی داشته باشیم.

بودن توی خوابگاه باعث شد حداقل چند سالی بزرگ‌تر بشیم و تعامل با جامعه برامون راحت‌تر بشه و بتونیم درست رفتار کنیم.

شاید خیلی وقت‌ها تو شرایط خاص به خودت بگی کاش پیش کسایی بودم که منو بفهمن که مثل من فکر کنن، که اختلاف نظر نداشته باشیم، اینجوری شرایط خیلی راحت‌تر بود، شاید سازگاری خیلی راحت‌تر بود؛ ولی تو شرایطی که مطابق میل نیست، اگه حواست باشه که حل نشی خیلی سریعتر و زودتر رشد می‌کنی.

خاطره‌سازی تو خوابگاه، تو تک تک لحظات اتفاق می‌فته، حتی لحظه‌هایی که فکرش رو هم نمی‌کنی. به جاهایی تو خوابگاه وجود داره که بیشتر خاطره می‌سازه؛ که مثال بارز اون می‌شه نمازخونه؛ البته فقط اسم نمازخونه رو داره ولی بار همه جشن‌ها و مراسمات را به دوش می‌کشه؛ از خواندن دعای کمیل و ندبه تا دورهمی‌ها و سالن سینما برای فیلم دیدن، سالن غذا خوری و همینطور سالن مطالعه تو زمان امتحانات!

خلاصه که بهتره اسمش می‌شد سالن چند منظوره تا نمازخونه؛ و همین موضوع برای موارد دیگه هم توی خوابگاه، اتفاق می‌افته؛ یعنی نهایت استفاده از هر چیزی صورت می‌گیره.

زمان امتحانات که می‌شه هر ساعتی از شبانه روز که در خوابگاه راه بری تعدادی رو می‌بینی که دارند درس می‌خونن؛ حتی در پشت بام یا دم در حمام و...

البته ترم‌های اول که خیلی از درس‌ها مشترکه؛ ولی در ترم‌های بالاتر با دوستان هم‌رشته‌ای می‌شه از درس خوندن کنار هم لذت برد و مشکلات درسی رو به راحتی حل کرد.

کاش خوابگاه یه واحد اجباری برای همه رشته‌ها بود تا هم همه از لذت‌ها و جذابیت‌های خوابگاه استفاده بکنن و هم مهارت‌هایی که هر کسی بهش نیاز داره رو یاد بگیرند.

خوابگاه جاییه که میشه گفت همه در عین تفاوت‌های بی شمار یاد می‌گیریم که به جای دیدن تفاوت‌ها، خطوط تفاهم‌ها و دلایل کنار هم بودن رو ببینیم و این چیزیه که توی زندگی خیلی به کارمون میاد.

نتیجه انتخاب رشته که اومد واکنش‌ها متفاوت بود؛ اما بیشترش تبریک‌های همراه با تردید بود؛ تردیدهایی با این سوال که چرا می‌خوای بری تو شهر غریب؟

نگرانی‌های خودم متفاوت بود و بیشترش، حل شدن در فضایی بود که نمی‌خواستم. شنیده بودم که انسان شبیه هم‌نشین خودش می‌شه؛ لذا نگران هم‌نشین‌هام بودم.

بالاخره روزی که باید می‌رفتیم خوابگاه، فرا رسید؛ در ابتدای ورود به خوابگاه با دانشجویان سال بالایی، با روسری‌های یک رنگ مواجه شدیم؛ که مسئول راهنمایی ما بودن و با لبخندهایی که از چهره و چشم‌هاشون به سوی ما روانه می‌کردن، موجی از آرامش و شعف رو، مهمان دل ماهایی می‌کردن که وارد خوابگاه می‌شدیم؛ مهمون دل کسایی که شک و نگرانی رو پنهان کرده بودن و سعی داشتن با قدم‌های محکم و مطمئن وارد فضای جدیدی شن.

با گذشت زمان، کم کم با هم‌اتاقی‌هام آشنا شدم. کسایی که در نگاه اول فکر می‌کردم هیچ وقت نمی‌تونم باهاشون ارتباط برقرار کنم؛ چون شبیه هم نبودیم و شبیه هم فکر نمی‌کردیم. چند روز اول فکر می‌کردم باید هر جور شده ازشون جدا بشم؛ اما هر چی بیشتر گذشت بیشتر شبیه خانواده‌ام شدن؛ دیگه حتی زمانی که امکان انتخاب هم‌اتاقی‌هام رو داشتیم نمی‌تونستیم ازشون جدا بشم.

هفته‌های اول دلتنگی و دوری از خانواده بیشتر اذیت می‌کرد و سازگار شدن با شرایطی که دیگر مثل خونه خود آدم نیست، هم به این دلتنگی‌ها دامن می‌زد. اما کم کم یاد گرفتیم چه شکلی با هم برخورد کنیم و به خط قرمزهای



ارزش قائل نیست؛ ارزش قائل نمی‌شوند و بیشتر آن‌هایی که بر مدار جو پیش رفتند الان ترم ۱۰ یا ۱۱ هستند. «چیزی که درست است، همیشه محبوب نیست و آنچه محبوب است، همیشه درست نیست.» ۲

یک نصیحت از یک سال بالاتر،

ما سال بالایی‌ها روضه خون‌های بسیار خوبی هستیم. اما باید بگویم که در کنار خیلی از واقعیت‌های تلخ موجود، هر روضه‌ای که می‌شنوید لزوماً عین حقیقت نیست. یا طرف پیاز داغ ماجرا را یک کم زیاد کرده و یا رویه و اتفاقی که برای آن شخص افتاده استثنایی بوده و یا ممکن است روال‌ها در دوره شما تغییر کند و بهتر شود. پس پای هر منبری گریه نکنید و دید منفی نسبت به جایی که هستید و آینده خود نداشته باشید.

«از آدم‌های منفی فاصله بگیرید، آن‌ها برای هر راه‌حلی یک مشکل دارند.» ۳

۱، پیامبر اسلام (ص)  
۲ و ۳، آلبرت انیشتین.

# پشت پرده امیرکبیر!

✍️ مائده علی محمدی / کارشناسی مهندسی کامپیوتر

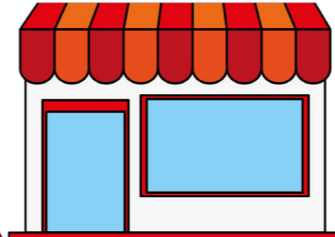
«خب خب! حالا که وارد امیرکبیر شدید (هرچند مجازی) باید با یک سری اصطلاحات آشنا بشید تا بتونید گلیمتون رو از آب بکشید.»

## میم:



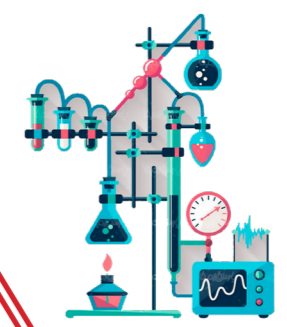
اول از همه این رو بدونید که ما توی دانشگاه به دانشجویای یک سری از رشته‌ها نمی‌گیم «مهندس فلان رشته» بلکه اون‌ها رو «میم فلان رشته» صدا می‌کنیم مثلا میم کامپیوتر یا میم فیزیک و شیمی؛ یادت باشه.

## یعقوب:



یعقوب در واقع همون آقا یعقوب هستند که با دکه شون جهت برطرف کردن انتظارات معده دانشجویها بین دو کلاس، وسط صحن قرار گرفتند. گاهی صف‌های طولی جلوی دکه ایشان رؤیت شده. هر چیزی بخواهید به احتمال ۹۰ درصد دارند. خارج از این حالت یا توقعتان دانشجویی نیست یا تمام شده.

## آز:



آز مخفف آزمایشگاه بعضی از دروس از جمله فیزیک و شیمی هست.

## قنوس:

می‌رسیم به کلمه جالب و پرطرفدار قنوس. قنوس فقط یک کلمه نیست بلکه یک ساختمان به چه عظمت!! اصن برای همین عظمتش اسمش و گذاشتن قنوس؛ انتهای کوچی کنار دانشکده شیمی ساختمانی سه طبقه قرار داره؛ که فقط و فقط مخصوص دختراست و ورود آقایون اکیدا بهش ممنوعه. شامل استراحتگاه (بهتره بگم خوابگاه) مجهز به بالش و پتو، کتابخانه ای با سکوت مطلق (صرفاً جهت مطالعه، کتاب نداره) و کارگاه‌های آموزش کارهای هنری (مثل خیاطی، چرم دوزی و...). ماکروفر هم داره برای کسانی که غذا خودشون میارن بتونن گرم کنن. در کل پک رفاهی بسیار خوبی برای دختراست.

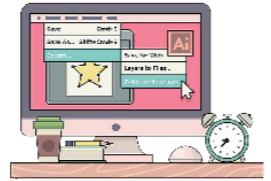
## یعقوب برقی:



یعقوب برقی اسمیه که بچه‌ها روی این دستگاه خوراکی بده‌های برقی (همون وندینگ ماشین‌ها) گذاشتن؛ چراش رو خدا داند

## انتخاب واحد:

انتخاب واحد از اون کلمه‌هایی که همه بچه‌ها ازش با عنوان جنگ یاد می‌کنند. به جمله معروف هست که می‌گه: انتخاب واحد جنگیست که کمتر از چند دقیقه طول می‌کشه، ولی آثارش تا حداقل ۶ ماه شما را زخم خواهد کرد. انتخاب واحد تو بازه‌های دوساعته برای ورودی‌های مختلف رو پورتال قرار می‌گیره ولی عملاً کمتر از ۳ دقیقه طول می‌کشه و به جز مرحله آخر، حق تقدم با بچه‌های سال بالاییه. به دوستان ورودی جدیدمون عملاً هیچ درس عمومی‌ای با استاد دلخواه نمیرسه چون قبلاً توسط سال بالایی‌ها تصاحب شده؛



## TA:



ta هم به یک سری بچه درس خون (عموما) مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری می‌گن که حل تمارین دروس اختصاصی به عهده شونه؛ در ضمن، معمولاً ۲ تا ۴ نمره درس هم دست همین بچه درس خوناست؛ پس خواستون باشه.

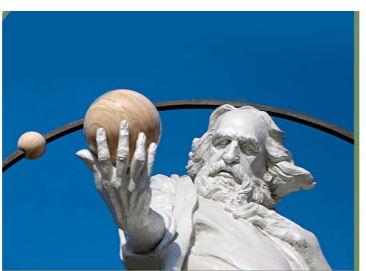
## BBB:

سامانه BBB یا همون BigBlueButton در واقع یکی از درگاه‌های برگزاری کلاس‌های مجازی در Imshome هست.



## خیام:

خیام بر خاف ظاهر اسمش، ساختمان مستقلی نیست. در واقع کل داستان فقط یک طبقه همکف زیر دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر است. که نصف دوران تحصیلتون را در این مکان خواهید گذراند. چون کلاسهای تمام دروس عمومی و اکثر دروس پایه در یازده تا کلاس کوچک و بزرگ این یک طبقه دایر می‌شوند.





# یک روز عادی در دانشگاه!

📖 زینب مبصر / کارشناسی مهندسی پزشکی



## روز ثبت نام:

امروز بالاخره قراره برم دانشگاه! وای که چه قدر استرس دارم؛ این قدر سر اتوی شلواریم و سوساس به خرج دادم که آخر دیر شد. چه قدر من محل دانشگاه رو دوست دارم. انقلاب، تئاتر شهر، ولیعصر. فرهنگی ترین و شلوغ ترین قسمت های شهر. بالاخره رسیدم دانشگاه. البته ناگفته نماند یک ایستگاه بی آرتی دیرتر پیاده شدیم از بس که شلوغ بود؛ ایستگاه جلو دانشگاه نتونستیم پیاده شیم، مجبور شدیم از ولیعصر پیاده بریم دانشگاه. از در رشت رفتیم تو. اووو اینجا رو نگاه چه قدر دانشگاه شلوغه. داخل دانشگاه که راه می رفتم انگار دانشجویهای بعضی رشته ها خوشحال تر بودند؛ انگار جلوی دانشکده شون برق می زدند. این وسط نمی دونستم دانشکده کجاست. یه سری غرفه ها وسط دانشگاه بود، اما انگار خیلی دیر رسیده بودم. بالاخره با پرسیدن و توسل به گوگل مپ دانشکده رو پیدا کردیم. تازه اینجا بود که فهمیدم ای دل غافل جشن ورودی هایی وجود داشته و منم از همه جا بی خبر در حین کشتی گرفتن با تو همه چی رو از دست داده بودم. از خاطرات گیج زدنی موقع ثبت نام و حسرت پیکسل ورودی ها هم چیزی نگم بهتره.

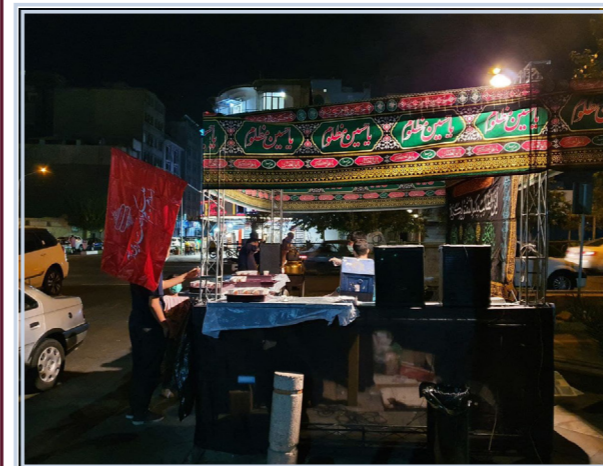
## هفته اول:

یکی از خوش شانسی هایی که آوردم، شناختن چند تا از بچه های سال بالایی، دقیقا روز ثبت نام بود. همین قضیه دقیقا اونجا که همه در به در دنبال کلاسشون می گشتند به دادم رسید و تقریبا تا قبل از ظهر روز اول، از همه چیز سر در آوردم. یعقوب برقی، رمز همه ی اینترنت ها، سلف و یا هر چیزی دیگه ای که توی محوطه دانشگاه بود.

دوشنبه صبح اولین کلاس ۸ صبحم بود و اصلا ایده ای نداشتم که مترو قراره چه خبر باشه. اگه شما هم هیچ ایده ای مثل من، در مورد وضعیت شلوغی مترو توی آن ساعت ندارید باید بگم از شدت فشار و شلوغی یه وقتایی نفس کشیدنم کار سختیه. پیاده و سوار شدن که دیگه هیچی. القصه من با در نظر گرفتن زمان رفت و آمد مثل همیشه می خواستم برم سر کلاس اما حتی نمی دونستم کلاسم دقیقا کجاست و همین باعث شد حدودا ۲۰ دقیقه دیرتر کلاس رو پیدا کنم و حدس بزنید چی شد؟ استاد نه تنها رام نداد بلکه دقیقا مجبورم کرد توی یک ساعت دیگه پیام و اون جلسه رو بگذروم.

## قبل از اربعین:

قبل از این که وارد این دانشگاه بشم فکر نمی کردم اینقدر فضای پرشوری داشته باشه و بچه ها به جز درس به فکر چیزهای دیگری هم باشند یا برای هر مناسبتی برنامه ای برگزار بشه. اما توی این ایام تقریبا هر بار که از جلوی مسجد رد می شدم بچه ها در حال تکاپو بودند. صدای نوحه، پخش نذری و گاها پخش نشریه و رزق های فرهنگی. مهم نیست که بچه ها چه طرز فکری دارند اکثر بچه ها توی زمان خالی ای که دارند تلاش می کنند با بقیه صحبت کنند؛ اگر نشریه ای دارند توی صحن شما رو دعوت به خواندن اون و شنیدن صدایشون می کنند. شاید اگر در هر دانشگاه دیگه ای غیر از امیرکبیر درس بخونید هرگز این اتفاقات رو به این صورت تجربه نکنید.



## روز دانشجو:

نزدیک روز دانشجو که می شیم تقریبا از اول اون هفته، یه جورایی همه ی دانشجویها به تقلا می افتند. تو اون هفته صحن پر از سر و صداس هر طرف که میری، یه عده جمع هستند؛ برنامه های مختلف، تریبون آزاد و... یادم هست؛ داشتم از سلف به سمت دانشکده می رفتم، هر چقدر که به عرشه نزدیک می شدم سر و صدای جمعیت بیش تر میشد، می تونستم هیجان بچه ها رو حس کنم. اولین برنامه صحنی ای بود که می دیدم. جلوی عرشه رو به روی بردهای تشکل ها، تریبون آزاد بود. جمعیت این قدر زیاد بود که روز عرشه و جلوی تریبون کاملا پر شده بود و هر کسی با هر عقیده ای میومد و درباره موضوع صحبت می کرد. اون هفته فکر کنم حدود ۳ تا تریبون آزاد توی دانشگاه برگزار شد؛ توی آخریش این قدر بحث جذاب بود که زیر بارون یه ساعت کلاس رو هم پیچوندم تا بتونم بحث رو دنبال کنم. نگاه های بچه ها بعد از اینکه خیس خیس رفتم سر کلاس یادم نمیره!



## امتحانات:

نزدیک امتحانات که می شیم درس نخون ترین دانشجویها، من جمله اینجانب، به فکر درس خواندن و تکمیل جزوه ها میوفتند. اما هممون خوب می دونیم سال ۹۸ دوران فرجه دانشگاه، دقیقا مصادف بود با کلی اتفاقات مختلف و بعضا تلخ. از اعتراضات دم در دانشگاه تا شهادت حاج قاسم و سقوط تلخ هواپیما. جووری شده بود که عملا درس خواندن برای هر دانشجویی سخت شده بود. بعضی از بچه ها خصوصا سال اولیا به خاطر اعتراض، واسه عقب انداختن زمان امتحانات حتی حاضر نشدن سر جلسه حاضر شن، ولی خب هیچ ثمری نداشت. اگر بخوام خلاصه بگم؛ فضای دانشگاه حضوری خیلی پرروح تر و شلوغ تر و سرزنده تر از دانشگاه مجازی است. دانشگاه به حضور و تکاپوی دانشجویها وابسته است؛ اما لازمه بگم با این که خیلی چیزها را با مجازی بودن از دست دادیم، اما بعضی از قسمت ها مثل برنامه ها، کارهای مناسبتی، موبکب های اربعین و... هنوز هم ادامه دارند. به امید این که هر چه زودتر شما رو هم در دانشگاه ببینیم.



# آنچه گذشت، تقدیم شما...

فاطمه سادات فقهی / کارشناسی مهندسی دریا



«اگرچه کسی نمی‌تواند به عقب برگردد و شروعی عالی داشته باشد، اما هرکسی می‌تواند از الان شروع کند و یک پایان عالی داشته باشد...»  
مخلص کلام رو همین اول میگم که از شما فقط یک نفر توی جهان هستی هست و فقط یک بار میتونی به روش خودت زندگی رو تجربه کنی!  
پس بیا این تجربه رو شیرین تر کنیم :)  
تصمیم داریم از صحبت‌ها و تجربیاتمون بگیم براتون.

## دانشجوی مهندسی هوافضا، ورودی ۹۹:

+ چی انگیزه بود برای ادامه دادنت؟  
- کلا کنار اومدن با چیزای جدید خیلی سخت بود  
برام  
ولی همش خاطره و تجربه شده.  
حقیقتا چیز خاصی به عنوان انگیزه نیست و خودمون  
باید بسازیمش!  
یه انگیزه در درون وجود، درگیر شدن و تمرکز روی  
درس و رشتمون، زدن عینک خوش بینی،  
پیدا کردن هر چیزی که به کامل تر شدنمون کمک  
می‌کنه؛ ولی در کل بخوام بگم  
انگیزه ادامه دادنم، شناخت خودم در موقعیت‌های  
مختلف و شناخت خدا بود.

## دانشجوی متالوژی ورودی ۹۹:

+ از سختی‌های محیط مجازی و سامانه‌ها بگو:  
- در کل هفته اول شناخت سامانه و حل مشکلات  
استرس و سختی داره؛ ولی نگرانی بیش از اندازه  
خودم رو خیلی اذیت کرد.  
اکثر استادا روی حضور غیاب و مرور جلسه قبل  
حساس بودن.  
بعد یکی دو جلسه، اخلاق اساتید و چنین حساسیت  
هایی دست آدم میاد. بی‌توجه از کنارش رد نشین...  
و اینکه برای شناخت اهمیت دروس بهترین راهنما  
دانشجوهای سال آخر رشته اتون هستن.

## دانشجوی ریاضیات و کاربردها، ورودی ۹۷:

+ یادته چه افکار منفی سراغت میومد؟ چطور رفعشون کردی؟  
- افکار منفی تا دلت بخواد داشتیم، می‌دونی اونا همیشه هستن.  
مثلا اینکه رشتتم رو اشتباه انتخاب کردم و اونو نبوده که فکر می‌کردم، بقیه خیلی بهتر از من هستن و نمی‌تونم بهشون برسیم و...  
ولی بعد از گذر از همه اینا و قبول اینکه خب الان من این فرصت رو دارم، حالا باید ارزش استفاده کنم رسیدم به بخش چطور درس خوندن!  
به‌نظرم چیزی که بیش‌ترین حس بد رو ایجاد می‌کنه، یک عالمه کلاس‌های آفلاینیه که جمع می‌شه رو هم.  
برای رفع کردن این افکار منفی خودم به شخصه راه‌های زیادی رو امتحان کردم؛ ولی در کل پیشنهاد می‌کنم هیچ کاری رو برای بعدا نگذاری و  
تماما سعی کنی هر کار رو در زمان درست خودش انجام بدی.  
صبح زود بیدار شدن، بخشی از مشکلاتتمو حل کرد.  
اینکه فهمیدم مهم‌ترین داشته من، روحیه ایه که مدام باید تقویتش کنم.  
با ورزش، با انجام کارهای کوچیک و لذت بخش، با محبت به خودم و دیگران  
به‌نظر بی‌تاثیر میاد اما خیلی بنیادیه.  
از طرفی هممون قبول داریم خدا همیشه هومون رو داره؛ ولی خیلی وقتا یادمون می‌ره انگار... سعی کردم اینو به خودم یادآوری کنم و اینجوری  
بهش فکر کردم که این مسیر و اینجایی که توش قرار گرفتم برام بهترین بوده...

## دانشجوی کامپیوتر ورودی ۹۹:

+ چه قدر زمان می‌داشتی واسه درس  
خوندن؟  
- زمان ک سعی می‌کردم بذارم؛  
ترم ۱ فقط برای امتحانای ترمم خوندم،  
ترم ۲ بهتر شد.  
تمام تلاشم این بود با سواد بار بیام  
جدای از بحث مدرک، سواد و علاقه به  
رشته خیلی مهمه

## ورودی ۹۹ صنایع:

+ ارتباطات دوستانه جدید چطور بودن  
برات؟  
- فکر می‌کنم چهار چوب‌های رفتاریم  
بیشتر شدند  
کلا هر فصل جدیدی تو زندگی ادم،  
میتونه زیبا باشه (:

## ورودی ۹۹ دریا:

+ کلا نظرت راجع به ترم اول چی  
بود؟  
- ترم اول واحدها پیش فرض انتخاب  
شده بودن؛  
اول ذوق زدگی و پس از یک ماه  
شروع تعلل در روش جزوه نویسی و  
اینکه لحظه به لحظه متوجه درس  
باشیم خیلی مهمه .

بسیار خوب

حالا بریم سراغ یه سری «مورد داشتیم»  
که باید مورد توجه قرار بگیره (:

حضور: مورد داشتیم تا حدود یک ماه از خروجی مترو تاثر شهر دور می‌زده و می‌رفته از در حافظ وارد دانشگاه شه و در ی به  
نام درب ولیعصر امیرکبیر برایش تعریف نشده بوده؛ (شما حواستون باشه اول بشناسید بعد گام بردارید (از خروجی سوم بیاید)

مجازی: مورد داشتیم بعد صحبت سر کلاس مجازی صداس باز مونده و آنچه نباید می‌گفته، گفته... تاکید اکید می‌کنم حواستون  
به این مسئله باشه (:

حضور: بسیاار مورد داشتیم که طرف اشتباهی رفته یه کلاس دیگه و اون لحظه به شواهدی از زمین و زمان شک می‌کرده، جز  
اینکه به خودش شک کنه که اشتباهی اومده!

حتما چک کنید که مجبور نشید از وسط یه کلاس پاشید برید وسط یه کلاس دیگه

خلاصه خیلاییی از این نکات ریز و درشت هست؛ بپرسید تا روزای بهتری داشته باشید (:

# جهت ورود به صفحه صدااا کلیک بفرمایید.



sedaaa\_aut

Message



189 posts

944 followers

44 following

| نشریه صدااا |

صدای دختران دانشگاه امیرکبیر

اولین و تنها نشریه دانشجویی تخصصی حوزه زنان دانشگاه امیرکبیر

کانال تلگرام نشریه

t.me/sedaaa\_aut

Followed by bahare.mosayebzade, atefeh\_128j, saleh\_ghasemy +90 more



...ن عاشورایی



... زن مسلمان



| ارزش زن |



| رسالت زنان |



...بران جامعه



| زن و اجتماع |



| عدالت |

POSTS

IGTV

TAGGED

